

جو بایدن و معمای مقابله با ایران در آوردگاه سیاسی عراق (۲۰۲۱-۲۰۲۴)

فرشید فرهادی؛ پژوهشگر مؤسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام



مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در طول چهار دهه اخیر، همواره یکی از دغدغه‌های مهم رهبران ایالات متحده آمریکا چگونگی مقابله با جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان چالشگر اساسی نظم منطقه‌ای مطلوب آن‌ها در غرب آسیا بوده است. بعد از تحولات موسوم به بیداری اسلامی در میان کشورهای عربی، نفوذ و قدرت منطقه‌ای ایران در غرب آسیا به‌طور قابل‌توجهی گسترش پیدا کرده است. در حال حاضر، حوزه نفوذ ایران در غرب آسیا از افغانستان تا عراق، از عراق تا حوزه شامات، یمن، حوزه خلیج فارس، جنوب آسیا و به‌طور کلی، کل مجموعه منطقه‌ای جهان اسلام گسترده شده است. این موضوع به تنگ‌تر شدن عرصه برای نقش‌آفرینی آمریکایی‌ها در تحولات راهبردی منطقه منجر شده است. در کنار گسترش قدرت ایران در منطقه، موضوع مهم دیگر، جهش بزرگ چین و مطرح‌شدن این کشور به‌عنوان چالشگر احتمالی در سطح نظم جهانی برای آمریکاست. این سبب شده است در کنار اهمیت ژئواکونومیک غرب آسیا، وزن و جایگاه ژئواستراتژیک آن نیز برجسته شود. دلیل این موضوع نیز مطرح‌بودن غرب آسیا به‌عنوان صحنه عملیات احتمالی علیه قدرت چالشگر هژمونی آمریکا، یعنی چین بوده است. بنابراین، مدیریت تحولات راهبردی منطقه غرب آسیا در راستای کاهش شعاع حوزه نفوذ منطقه‌ای ایران در منطقه برای افزایش نقش آمریکا در تحولات منطقه از اهمیت بسیار اساسی برخوردار است.

عراق سنگ‌بنای راهبردی هرگونه ساختار امنیتی منطقه‌ای ایالات متحده در غرب آسیا در راستای مقابله با ایران محسوب می‌شود. تبدیل عراق به شریک راهبردی قوی، برجستگی ژئوپلیتیکی مهمی برای ایالات متحده در منطقه ایجاد خواهد کرد؛ چراکه موقعیت عراق، ایران را از سوریه جدا می‌کند. بنابراین، ایجاد عراق مستقل و قدرتمند از نظر آمریکایی‌ها، راهی بالقوه برای مهار جاه‌طلبی‌های نظامی ایران در منطقه است. این موضوع همچنین چشم‌اندازی روشن در راستای ایجاد اتحادی بسیار قوی بین کشورهای عربی خلیج فارس به‌عنوان تأمین‌کنندگان عمده نفت و گاز پیش چشم آمریکایی‌ها قرار می‌دهد.

در حال حاضر، وارد کردن عراق به اتحاد راهبردی مستحکم با آمریکا با چالش‌های بزرگی روبه‌روست. ایالات متحده از زمان حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ هرگز راهبرد پایداری در ارتباط با این کشور نداشته است. با وجود نقش مهمی که ایالات متحده در دو جنگ در عراق از سال ۲۰۰۳ ایفا کرده است، تلاش‌های این کشور برای ایجاد این مشارکت راهبردی با عراق، ضعیف برنامه‌ریزی و اجرا شده است. به همین دلیل، آن‌ها اکنون در آستانه شکست کامل در عراق هستند. این در حالی است که در سوی مقابل، جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان مهم‌ترین هم‌اورد آمریکا در عراق، در چند سال گذشته با اقدامات خود، قدرت و نفوذش در عراق را گسترش داده است.

از زمان شکست خلافت داعش در عراق و سوریه، ایالات متحده به‌طور مداوم، نیروهای خود در عراق را کاهش داده و استفاده از پایگاه‌ها، دادن امکانات، اقدامات آموزشی و سایر مساعدت‌های خود در عراق را محدود کرده است. اهمیت این موضوع به این دلیل است که افزایش مداوم قدرت و نفوذ ایران، چالش‌هایی اساسی را برای حضور نظامی آمریکایی‌ها در عراق ایجاد کرده است. در حال حاضر، آمریکایی‌ها با چالش‌های سیاسی، حقوقی و امنیتی فراوانی برای ابقای حضور خود در عراق روبه‌رو هستند.

گرچه ایالات متحده تلاش‌هایی در قالب مذاکره راهبردی ژوئن ۲۰۲۰ درباره ایجاد ساختار مشارکت راهبردی با عراق انجام داده است، این تلاش‌ها تاکنون نتیجه چندانی نداشته است. تا ژانویه ۲۰۲۱، نیروهای نظامی ایالات متحده به ۲۵۰۰ نفر تقلیل خواهند یافت. همچنین، ایالات متحده از بیشتر پایگاه‌ها و تأسیسات خود در عراق خارج خواهد شد و تلاش‌های این کشور برای آموزش و کمک به نیروهای امنیتی عراق نیز کاهش خواهد یافت. تلاش‌های ایالات متحده برای تجهیز نیروهای عراقی به سلاح‌های مدرنی مانند تانک F-۱۶ و M-۱ نیز نتوانسته است مؤثر باشد و عراق به سیستم‌های روسی روی آورده است. تلاش‌ها برای ایجاد دولت مرکزی قدرتمند و مؤثر در عراق نیز موفقیت محدودی داشته است. این در حالی است که در سوی مقابل، نفوذ ایران به‌طور فزاینده‌ای در حال افزایش است. تلاش‌های دولت عراق برای ایجاد نیروهای امنیتی‌ای که بتوانند از کشور دفاع کنند، پیشرفت محدودی داشته است. اقتصاد عراق در حال فروپاشی است و دولت عراق در بسیاری از مناطق این کشور، عملکرد خوبی نداشته است.

بنابراین، مقابله با ایران در راستای کاهش نفوذ این کشور در عراق برای جو بایدن از اهمیت اساسی برخوردار است. به همین دلیل جو بایدن، رهبر جدید آمریکا نیز همواره یکی از دستورکارهای مهم منطقه‌ای خود در غرب آسیا را مقابله با ایران و اقدامات منطقه‌ای این کشور اعلام کرده است. این موضوع اقدام برای کادر جدید سیاسی کاخ سفید در کنار موضوع بازگشت به توافق هسته‌ای به معمایی پیچیده تبدیل شده است. به همین دلیل، موضوع مهم، اقدامات احتمالی آمریکا در عراق در چهار سال آینده به‌رهبری جو بایدن در راستای مقابله با ایران است که با توجه به درپیش بودن انتخابات در عراق در یک ماه آینده، اهمیتی اساسی دارد. با این اوصاف، پرسش محوری این است که سناریوهای آمریکا در چهار سال آینده برای مقابله با ایران در عراق کدام‌اند. در راستای پاسخ به این پرسش، دو سناریوی زیر را می‌توان مطرح کرد.

این شرایط سبب خواهد شد جو بایدن در کوتاه‌ترین زمان ممکن در راستای ایجاد مشارکت راهبردی واقعی با عراق وارد عمل شود. جو بایدن در ارتباط با عراق تلاش خواهد کرد کمک‌های اقتصادی، آموزش مناسب نظامی و نیز تشویق عراق برای مشارکت با اردن و کشورهای خلیج فارس را در رأس برنامه‌های خود قرار دهد. امریکا تلاش خواهد کرد در یک سال آینده از طریق بانک جهانی برای مقابله با بحران اقتصادی عراق و کمک به این کشور در اصلاح ساختار حکومتی خود وارد عمل شود. ایالات متحده از این طریق هدفی اساسی را دنبال می‌کند و آن، مقابله با نفوذ ایران، روسیه و ترکیه در عراق است. از نظر رهبران امریکایی، اگر ایالات متحده به سرعت عمل نکند و تا پایان سال ۲۰۲۱ برنامه‌های خود در ارتباط با عراق را عملیاتی نکند، احتمالاً عراق به سنگ‌بنای راهبردی برای ایران و روسیه تبدیل خواهد شد.

سناریوی اول: اقدام نظامی محدود، آنی و نقطه‌ای علیه نقاط هدف راهبردی درونی ایران

بازگشت احتمالی جو بایدن به توافق هسته‌ای به معنای پایان سیاست‌های مقابله‌ای این کشور در قبال ایران نیست. همان طور که بارها در مواضع اعلامی رهبران جدید امریکا نیز اعلام شده است، بازگشت به توافق هسته‌ای سرآغازی است برای سیاستی کلی که تحت عنوان «تغییر الگوی رفتاری ایران» از آن یاد می‌شود. آن‌ها در نظر دارند در راستای بازگشت به توافق هسته‌ای، زمینه را برای سایر اقدامات خود برای مقابله با ایران فراهم کنند.

در شرایط حاضر، توانمندی ایران در غنی‌سازی اورانیوم با غنای بالا (۶۰ درصد) مهم‌ترین اهرم فشار در راستای اخذ امتیاز بیشتر از مذاکرات وین است. به همین دلیل، دور از ذهن نخواهد بود که محور عربی - عبری - غربی به رهبری امریکا در راستای خلع ید ایران در مذاکرات وین، اقدامی را در دستورکار قرار دهند؛ همان طور که در چند وقت گذشته دقیقاً در حین مذاکرات، در سایت هسته‌ای نظنز خراب‌کاری در دستورکار قرار گرفت.

بنابراین، اقدام محتمل واردکردن ضربه مهلک و آنی دیگری به جمهوری اسلامی ایران است. این اقدام بیش از هر چیزی می‌تواند خراب‌کاری یا در صورت لزوم، حمله به تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی ایران باشد. متحدان امریکا، یعنی رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی نیز در محافل نخبگانی امریکا و در سطح منطقه‌ای، به دلیل آغاز غنی‌سازی ۶۰ درصدی از سوی ایران از این موضوع حمایت می‌کنند. تجربه نشان داده است که هرگاه فعالیت‌های هسته‌ای ایران شدت و عمق بیشتری گرفته است، اقدامات خصمانه معاندان جمهوری اسلامی ایران نیز افزایش پیدا کرده است. دیگر شواهد مهم برای اثبات این مدعا نقل و انتقال چند وقت گذشته هواپیماهای استراتژیک استراتفورترس از داکوتای شمالی به غرب آسیاست. نگاهی به ماهیت کارکردی و مأموریتی این هواپیما نشان می‌دهد که این هواپیما برای مأموریت‌های محرمانه هسته‌ای در دوران جنگ سرد طراحی شده است. مجهز شدن رژیم صهیونیستی به بمب‌های قوی ضد پناهگاه و بمب‌افکن‌های B-۱ و B-۵۲ و حضور فعال آن‌ها در تحرکات اخیر، بیش از گذشته، این شائبه را تقویت می‌کند؛ چراکه بمب‌افکن‌های مذکور از ادوات مهم نظامی امریکا

برای نفوذ در مراکز مهم و حساس و بمباران آنهاست.

ضلع دیگر عملیاتی شدن و محتمل بودن این سناریو تلاش حداکثری عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی برای تنش آفرینی و متعاقب آن، نابودی توافقی هسته‌ای است. صهیونیست‌ها و سعودی هدفی مشترک دارند و آن، تقابل با ایران در بازی‌های راهبردی منطقه‌ای در غرب آسیاست. آن‌ها متعاقب این هدف مشترک، به دنبال این هستند که با تنش آفرینی در روابط ایران و امریکا امکان مذاکره مجدد را از بین برده و در نتیجه، فشار ناشی از تحریم‌ها بر اقتصاد ایران را حفظ کنند. این اقدام از آنجا اهمیت دارد که از نظر آن‌ها، چنین شرایطی قدرت نفوذ و مانور ایران در سطح تحولات منطقه‌ای را کاهش خواهد داد؛ چراکه هرگونه گشایش مالی ناشی از توافقی هسته‌ای از نظر آن‌ها به معنای فراهم شدن شرایط برای نقش آفرینی بیشتر ایران در منطقه است. پس، محور عربی - عبری به دنبال تنش آفرینی در روابط ایران و امریکا و وارد کردن ایران به دام استراتژیک است و بعد از شروع مذاکرات اخیر وین، بیشتر، رنگ و بوی واقعیت به خود گرفته است.

هدف مهم و نهایی، علاوه بر ایجاد دور جدیدی از مذاکرات فرسایشی و طولانی، ایجاد چالش‌هایی درونی برای جمهوری اسلامی ایران در راستای کاهش قدرت مانور این کشور در بازی‌های راهبردی منطقه‌ای در غرب آسیاست؛ چراکه چنین اقداماتی مضاف بر درپیش بودن انتخابات ریاست جمهوری ایران، سبب معطوف کردن ایران به تحولات محیط داخلی خود خواهد شد. به زعم امریکا، این عوامل در گام بعدی، قدرت مانور ایران در تحولات غرب آسیا را کاهش خواهد داد.

سناریوی دوم: فراهم کردن شرایط برای خلع ید منطقه‌ای ایران در عراق

تمرکز ایالات متحده به رهبری جو بایدن برای مقابله با سیاست‌های منطقه‌ای ایران، عراق است؛ چراکه عراق حلقه ارتباطی کلیدی قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران محسوب می‌شود. عراق حلقه پیوند محور مقاومت است که در حال حاضر، کریدور ارتباطی آن تا امتداد سواحل مدیترانه گسترش یافته است. بنابراین، خلع ید ایران در عراق، از نظر رهبران جدید امریکا، گامی مهم و اساسی در راستای مقابله با ایران در غرب آسیاست. اقدامات احتمالی امریکا ذیل عنوان خلع ید ایران در عراق را می‌توان در دو دسته طبقه‌بندی کرد که عبارت است از:

اقدامات سیاسی

بر کسی پوشیده نیست که نخست‌وزیر کنونی عراق، الکاظمی، گزینه مطلوب جمهوری اسلامی ایران در صحنه سیاسی عراق نیست. خلأ ناشی از نبود نقش تأثیرگذار سردار سلیمانی و بی‌ثباتی سیاسی عراق به ضرر و علیه نیروهای جبهه حشد الشعبی بود؛ از این رو جمهوری اسلامی ایران نقش نخست‌وزیری را برای الکاظمی در عراق پذیرفت. جهت‌گیری ضد ایرانی الکاظمی در چند وقت گذشته، برجسته و ملموس بوده است. الکاظمی موازی با امریکا و عربستان سعودی، هدفش در سیاست داخلی عراق را کاهش نقش و نفوذ ایران تعریف کرده است. در این راستا، در چند وقت گذشته، الکاظمی تلاش گسترده‌ای را برای وادار کردن نیروهای حشد الشعبی به ادغامشان در ساختار نظامی عراق در دستورکار قرار داده است. حتی نیروهای ضد تروریستی تحت رهبری الکاظمی، در اقدامی خصمانه و طی یورش شبانه، ۱۴ تن از اعضای برجسته حشد الشعبی را بازداشت کردند.

الکاظمی بعد از نزدیک به ده سال، فالح الفیاض را از سمت ریاست آژانس امنیت ملی و مشاور امنیت ملی برکنار کرد. الکاظمی همچنین در اقدامی بی سابقه، ورود سران سپاه قدس جمهوری اسلامی ایران به عراق را نیز محدود و به اخذ ویزا منوط کرده است. حتی فرض نقش داشتن او در ترور شهید سلیمانی که در زمان ترور، رئیس سرویس اطلاعاتی عراق بود نیز دور از ذهن نیست.

در چند ماه گذشته، تعاملات عراق و عربستان سعودی به بیشترین حد خود در چند دهه گذشته رسیده است. عربستان سعودی بیش از هر زمانی به ورود به فضای سیاسی عراق نزدیک شده است. عامل اصلی اقدامات این چینی عربستان، مهیا کردن شرایط از سوی الکاظمی است. شواهد بالا از این موضوع مهم حکایت می کنند که بعد از سقوط صدام و در چند دهه گذشته، ورود الکاظمی به صحنه سیاسی عراق، مطلوب ترین اتفاق ممکن برای عربستان سعودی و ایالات متحده بوده است؛ چراکه آن‌ها را بیش از گذشته به مهم ترین هدف خود که کاهش نفوذ ایران در عراق بوده است، نزدیک کرده است.

به همین دلیل محتمل است که با توجه به درپیش بودن انتخابات پارلمانی عراق در اکتبر ۲۰۲۱، مهم ترین هدف امریکا تمدید ابقای الکاظمی در ساخت سیاسی آینده عراق باشد. به عبارت دقیق، مهم ترین هدف امریکایی‌ها از اقدامات اخیرشان در عراق، فراهم کردن شرایط برای افزایش مانور الکاظمی در عراق برای پیروزی در انتخابات پیش رو از طریق محدود کردن عرصه و درانزو اقراردادن گروه‌های مقاومت در عراق است. جو بایدن، رئیس جمهور آینده امریکا نیز قطعاً از این عملکرد حمایت خواهد کرد؛ چراکه خلع ید منطقه‌ای ایران از برنامه‌های مهم جو بایدن است. قطعاً روی کار آمدن دولتی وابسته به امریکا در عراق مطلوب ترین گزینه خواهد بود.

محتمل است که در راستای انزوا و در حاشیه قراردادن گروه‌های مقاومت در عراق، امریکایی‌ها در آینده نزدیک اقداماتی را در دستور کار قرار دهند. مهم ترین اقدامات سیاسی امریکایی‌ها در راستای دستیابی به این هدف عبارت است از: فراهم کردن شرایط برای ایجاد تنش سیاسی در عراق علیه گروه‌های مقاومت و سایر گروه‌های نزدیک به جمهوری اسلامی ایران؛

تلاش برای دست کاری افکار عمومی علیه گروه‌های مقاومت؛

شروع جنگ رسانه‌ای علیه ایران در آستانه انتخابات عراق؛

تلاش برای ایجاد ائتلاف سیاسی در میان گروه‌های ضد ایرانی در عراق؛

تلاش برای تخریب شخصیت‌های نزدیک به ایران در آستانه انتخابات در نزد افکار عمومی عراق.

اقدامات نظامی

امریکایی‌ها به طور موازی تلاش خواهند کرد در چند ماه آینده، شرایط لازم برای اقدام نظامی علیه گروه‌های مقاومت در عراق را نیز فراهم کنند. آن‌ها هم‌راستا با الکاظمی به دنبال محدود کردن نقش نیروهای مردمی هم‌سو با جمهوری اسلامی ایران در تحولات سیاسی آینده عراق هستند؛ چراکه نیروهای حشد الشعبی بازوهای قدرت و نفوذ سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی

ایران در عراق محسوب می‌شوند. حملات اخیر به مواضع امریکا در عراق و سایر اقدامات احتمالی، همه ابزارهای لازم برای فراهم کردن بستر لازم برای اقدام احتمالی نیروهای امریکایی علیه نیروهای حشدالشعبی است. اقدامات احتمالی امریکا علیه نیروهای مردمی عبارت‌اند از:

نابودی زیرساخت‌ها و تجهیزات راهبردی نیروهای حامی ایران

شهادت سپهبد سلیمانی، بیش از پیش، تغییر راهبرد امریکایی‌ها برای مقابله با چالش‌های احتمالی در غرب آسیا علیه رقبا را به ذهن متبادر می‌کند. تحت این شرایط، امریکایی‌ها به دنبال این‌اند که با اقدامی آنی، اما با قدرت تخریب زیاد، پایه‌ها و زیرساخت‌های قدرت گروه‌های مردمی عراق را هدف قرار دهند؛ به طوری که قدرت مانور این گروه‌ها در صحنه سیاسی و میدانی عراق سلب شود. به نظر می‌رسد این اقدام با حمله هوایی و پهپادی به تأسیسات نظامی گروه‌های مردمی عراق عملیاتی شود. در چند وقت گذشته، بمب‌افکن‌های امریکا و پهپادهای این کشور به صورت گسترده در حال فعالیت در آسمان عراق هستند. این عملکرد، حمله احتمالی به گروه‌های مردمی در عراق به بهانه حمله به مواضع امریکا را بیش از گذشته به ذهن متبادر می‌کند.

دستگیری فرماندهان نظامی برجسته

امریکایی‌ها در نظر دارند در صورت ممکن از طریق هلی‌بُرد، فرماندهان برجسته نظامی حامی ایران در عراق را دستگیر کنند. اهمیت موضوع به این دلیل است که قطعاً این اقدام در صورت موفقیت، به پیروزی بزرگی برای جو بایدن در میان افکار عمومی آمریکا تبدیل خواهد شد.

ترور فرماندهان نظامی برجسته

امریکایی‌ها همچنین در نظر دارند اگر اقدام اولشان، یعنی دستگیری، ممکن نشد، به ترور هدفمند روی آورند. پیشینه این اقدام ترور شهید سلیمانی و ابومهدی مهندس است؛ اما ترور هدفمند، این بار، با تفاوتی مهم در دستورکار قرار دارد و آن، ترور فرماندهان برجسته نظامی در مرحله اول، و پاسخ‌ندادن طرف مقابل، یعنی ایران و گروه‌های مردمی عراق، یا دفع اقدامات آن‌هاست. نصب سامانه‌های پاتریوت و تقویت سیستم دفاعی موشکی در اطراف مواضع امریکا در عراق در این راستا قابل ارزیابی است. اگر در ماجرای شهادت سردار سلیمانی، ایران با حمله موشکی به پایگاه عین‌الاسد، اقدام امریکایی‌ها را به حاشیه کشاند، این بار هدف، اقدام نظامی و عدم دریافت پاسخ از سوی ایران و گروه‌های حامی آن است.

کمک به الکاظمی برای ادغام نیروهای حشدالشعبی در نیروهای نظامی

امریکایی‌ها در نظر دارند در همراهی با دولت الکاظمی، فرماندهان برجسته نیروهای مردمی در عراق را دستگیر و در مرحله بعد، زمینه را برای خلع ید آن‌ها و ادغامشان در بدنه نیروهای نظامی فراهم کنند. این اقدام در دوران زمامداری الکاظمی در عراق مسبوق به سابقه است. در ۲۶ ژوئن ۲۰۲۰ نیروهای عراقی به دستور الکاظمی و با حمایت نیروهای امریکایی، طی یورش به مقر فرماندهی حشدالشعبی، شماری از اعضای برجسته آن را بازداشت کردند.

تبعات اقدام احتمالی امریکا برای جمهوری اسلامی ایران

- عملیاتی کردن سناریوی خلع ید نیروهای مردمی حامی ایران در عراق؛
- مهندسی سیاسی فضای سیاسی عراق در آستانه انتخابات به ضرر جمهوری اسلامی ایران؛
- مهیاشدن بستر برای نفوذ بیشتر عربستان سعودی در عراق و برهم خوردن توازن منطقه‌ای به ضرر جمهوری اسلامی ایران؛
- ازدست دادن عراق به عنوان یکی از معدود متحدان منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران؛
- تلاش برای ورود عراق به صف کشورهای عربی حامی عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی؛
- ایجاد چالش در کریدور ارتباطی محور مقاومت از طریق قطع ارتباط زمینی تهران با سوریه؛
- مهیاشدن بستر برای حملات بیشتر علیه گروه‌های مقاومت در منطقه؛
- بیشتر شدن فشار ناشی از تحریم‌ها برای ایران در صورت ازدست دادن عراق؛ چراکه در شرایط فشار حداکثری امریکا علیه ایران، عراق یکی از روزه‌های حیاتی تنفسی ایران محسوب می‌شود.

راهکارها برای مقابله

- در پیش گرفتن سیاست پرستیژ دفاعی به منظور ارسال پیام تهدید در معادله بازدارندگی متقابل؛
- فعال شدن دیپلماسی دفاعی به منظور ارسال این پیام در سطح جهانی و منطقه‌ای که هرگونه اقدامی از سوی امریکا با پاسخ کوبنده و قاطع ایران همراه خواهد بود و عواقب بی ثباتی ناشی از آن در منطقه، متوجه امریکاست؛
- لزوم به کارگیری هوشیاری راهبردی از سوی ایران در شرایطی که انتخابات ریاست جمهوری ایران و انتخابات پارلمانی عراق در پیش است؛
- تلاش برای سنگین کردن توازن سیاسی به نفع نیروهای حامی جمهوری اسلامی ایران در انتخابات آتی عراق؛
- استفاده جمهوری اسلامی ایران از تمام ظرفیت‌های سیاسی و نظامی خود در راستای ایجاد محدودیت در انتخاب مجدد الکاظمی در عراق؛ چراکه ابقای الکاظمی به معنای تنگ شدن عرصه بر جمهوری اسلامی ایران در عراق است.